

گالری گردی

هیأت انتخاب ایده

۳۰ میلیون تومانی معرفی شدند

● شرق: هیأت انتخاب نشان ویستا، جایزه سالانه هنر معاصر که هم‌زمان با چهارمین سالگرد کالری ویستا به ایده برتر هنری اهدا می‌شود، معرفی شدند. پریسا پهلوان، مدیر کالری ویستا، هیأت انتخاب این جایزه را که ارزش مادی آن ۳۰ میلیون تومان است، به این شرح اعلام کرد: «حمید سسوری، رزیتا شرف‌جهان، بهرنگ صمدزادگان، امیرعلی قاسمی و بهنام کامرانی». مدیرکالری ویستا درباره چرایی اهدای جایزه به یک ایده هنری گفت: «هنر ایران وارد مرحله تازه‌ای شده است و به نظر می‌رسد همه رسانه‌های هنری امروز در موقعیت برابر نسبت به‌هم قرار گرفته‌اند و آنچه که یک اثر را تازه جلوه می‌دهد، رویکرد و ایده اجرای آن است.» او گفت: «ویستا به معنای اندیشه است، ازاین‌رو کالری ویستا بنا دارد بر اساس ارزشیابی فکر و ایده‌های معاصر هنری به صورت سالانه جایزه و شرايطی برای اجرای طرح برتر نوا ارائه فراهم کند.» او افزود: «انگیزه‌بخشی برای خلق ایده‌های تازه در آفرینش‌های هنری، شناسایی طرح‌های برتر و نواورانه در هنر معاصر، حمایت و تولید محتوا و اجرا و نمایش آثار، چاپ کتاب، پشتیبانی رسانه‌ای و نشست‌های تخصصی از جمله اهداف محوری جایزه و نشان ویستاست.» او اعلام کرد: «از اول مرداد آماده دریافت طرح‌ها هستیم و علاقه‌مندان تا اول شهریور فرصت دارند ایده‌های نواورانه خود را به کالری ویستا تحویل دهند و در این رقابت هنری حضور یابند.» مدیر کالری ویستا درباره شرایط شرکت‌کنندگان به چهار مؤلفه اشاره کرد: «شرکت برای تمامی سنین آزاد است. شرکت‌کنندگان باید طرح‌های (بروچوزال) خود را با فرمت word و متشکل از ۴۰۰ تا هزار کلمه به‌همراه مدارک بصری (تصویر) را با فرمت jpg، صدا و فیلم با فرمت mov یا avi، ماکت طرح) مربوط به طرح‌ها را به دبیرخانه ارسال کنند؛ ارائه مشترک طرح‌ها امکان‌پذیر است و چهارم، اولویت با هنرمندانی است که نمایشگاه و تجربیاتی در زمینه موردنظر داشته باشند.» پهلوان درباره زمان‌بندی بررسی طرح‌ها و ایده‌های رسیده و نیز مراحل برگزاری این جایزه گفت: «از اول مرداد تا اول شهریور آماده دریافت طرح‌ها (بروچوزال‌ها) هستیم؛ سپس ایده‌ها و مدارک بصری و صوتی آثار منتخب در دو بخش نمایش طرح و برگزاری نشست‌های تخصصی در مورد آثار در کالری ویستا صورت می‌پذیرد.» کالری ویستا در خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه ۱۲، پلاک یازده واقع است.

شرق: چکیده نگاه فلسفی عباس کیارستمی به جهان پیرامونش که همانا «زندگی ادامه دارد» است، به نظر می‌رسد به مرگ او هم پیوند خورده. مرگ زودهنگام و غریب این فیلم‌ساز جهانی همچنان غم‌انگیز و غیرقابل‌تحمل است، اما با کوچش هم ثابت کرد که زندگی پیروز همیشه است. گواه این مدعا همگرایی هنرمندان، دوستداران هنر و مردم برای شفاف‌شدن علت مرگ اوست. هرچند کیارستمی دیگر به جهان فانی بازمی‌گردد، ولی دست‌کم مرگ او انگیزه‌ای شد تا صدای بی‌نام‌ترین بیمار ساکن روستایی دورافتاده در اعماق کشور پهناورمان را همگان بشنوند که او هم همچون مشهورترین افراد حق حیات دارد و معالجه او در نظام سلامت کشور وظیفه همه است.

برای نخستین‌بار روز دوشنبه ۱۱ مردادماه مطلبی با عنوان «شما تنها نیستید» به‌منظور همراهی با خانواده عباس کیارستمی در روزنامه «شرق» به چاپ رسید که در آن ۴۰۰ چهره شاخص هنری و فرهنگی با امضای نامه‌ای سرگشاده از این خانواده حمایت کردند.

در این نامه اسامی هنرمندان مطرحی مانند آیدین آغداشلو، مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، پرویز دواپی، حسین علیزاده، کیهان کلهر، مرتضی کاخی، لیلی گلستان، رخشان بنی‌اعتماد، گلی امامی، نیکي کریمی، فاطمه معتمدآریا، نورالدین زرین‌کلک، کانونش عیاری، پرویز پرستویی، بیژن کامکار، هدیه تهرانی، لیلا حاتمی، علی مصفا، علی‌اکبر صادقی، همایون پایور، پیمان معادی و... به چشم می‌خورد. متن نامه به شرح زیر بود: «عزیزان، احمد و بهمن و خانواده محترم کیارستمی: گردوغباری که پس از فاجعه ازدست‌رفتن عزیزتان برخاست،

اقدام اخیر اهالی هنر که موجبات دلگرمی خانواده کیارستمی را به همراه داشت، از سوی احمد کیارستمی، پسر ارشد فیلم‌ساز جهانی، در قالب نامه‌ای خطاب به امضاکنندگان مورد توجه و سیاس قرار گرفت. این نامه که به‌طور اختصاصی در اختیار ما قرار گرفته است، به این شرح است: «دوستان و همراهان عزیز، دیدن فهرست بلند اسامی شما باعث دلگرمی و امیدواری است. نبود پدرم خفراه‌ای بزرگ و ناگهانی در زندگی بسیاری از ما ایجاد کرده است. طیف پیام‌ها و تسلیت‌هایی که من و بهمن در این مدت دریافت کرده‌ایم، گواه بر آن است که این «ما» فراتر از یک قشر، سن، مخاطب، دولت یا ملیت خاص است، نشانگر این است که چگونه در تمامی این سال‌ها پدرم – چه در زندگی شخصی و چه در مرادات اجتماعی – وای خط‌کشی‌ها و سیاست‌ها ایستاده بوده است. چه قبل از انقلاب، چه در دوران هیجان‌زده انقلاب

و چه بعد از آن. چه در سال‌های خاکستری جنگ و چه در دوران رنگ‌ها، حرفش همیشه زندگی بود و بس. او درختی بود که ریشه‌اش در این خاک بود، میوه‌اش برای همگان و سایه‌اش بر سر هرکسی که خوش داشت لحظه‌ای بیاساید، به دور از جنگ‌ال و هیاهو. در تمامی این سال‌ها، چه در داخل و چه در خارج، چه در عموم و چه در خلوت، از درگیری‌های صنفی و سیاسی پرهیز کرد و تمرکزش بر کارش بود. شاید همین خصوصیتش بود که او را متعلق به همه کرد. وضعیت به‌وجودآمده درباره روند درمان او، وضعیت ساده‌ای نیست. تقاضای پیگیری روش درمان و اطلاع‌رسانی در روال تشخیص پزشکی و فرایند درمان او تبدیل به مسئله‌ای بسیار بزرگ‌تر و عمیق‌تر و با ابعاد ملی شده است. صحبت‌ها، موضوع‌گیری‌ها و پیام‌ها، نشان می‌دهد مشکل فراگیرتر از این پرونده خاص بوده و هست. متأسفانه بر‌خورده‌های

احساسی و صنفی پیچیدگی‌های غیرضروری‌ای را به پرونده اضافه کرده است. به تمرکز روی اصل مشکل و استفاده از این فرصت برای حل بنیادی یک مسئله جدی، اظهارنظرهای بدون اطلاع و بعضاً مغرضانه باعث برخاستن گردوغباری شده است که چنانچه شما هم اشاره کرده‌اید، به چشم همه ما می‌رود. ولی این گرد و غبار به شکل‌های گوناگون در سال‌های کاری پدرم هم وجود داشت. او همیشه سرش را بالا گرفت و وای گردوغبار ایستاد و درنهایت تغییر و تأثیر عمیق‌تر و بزرگ‌تری را رقم زد. ما همچنان امیدواریم حکمت این پرونده، چنان که شایسته هر پرونده‌ای است، به دور از این هیجانات و احساسات، روند درست خود را طی کرده و به نتیجه صحیح برسد. من و بهمن هم با بردباری، منطق و احترام و البته با جدیت و دقت، منتظر روشن‌شدن نتیجه پرونده هستیم. بردباری و احترامی



چشم‌انداز را سراسر مغشوش و مخدوش کرده است. این آشفتگی سبب شد تا حتی نتوانیم در فرصتی که حق هر عزادار است، به دل سیر گریه کنیم و آرام‌تر شویم و بتوانیم به شما که نسبتی مستقیم‌تر با مصیبت دارید، تسلاپی دهیم؛ اگرچه همه ما محتاج تسلاپیم. روند درمان عباس کیارستمی به محض انتشار خبر بیماری‌اش مورد پرسش‌هایی جدی قرار گرفت که تنها نشان‌دهنده عمق نگرانی از حفظ سلامتی آن وجود یگانه بود و از همان آغاز فقط سؤال بود و دلواپسی و نه شروع رقابتی که حالا منتظر باشسیم داوورانی برنده یا بازنده‌اش را اعلام کنند؛ البته بازنده همه ماییم که هنرمندی چنین گران‌مایه را به ازرائی از دست داده‌ایم و باز البته بازنده آنان هستند که به‌جای همدردی، به‌جای پاسخ به ابهامات، به

تشکر رسمی احمد کیارستمی از امضاکنندگان

جای درک وضعیت روحی آسیب‌دیدگان، فضا را به میدان نبردی صنفی تبدیل کردند. اکنون در چنین هباهویی چه چیزی ممکن است شما و همگان را اندکی آرام کند؟ راستش هیچ، چراکه این پرونده‌ای حقوقی و قضائی نیست و بحث از آغاز بر سر احترام به حقوق انسانی بوده است. می‌دانیم چه دشوار است که هم داغ عزیز و هم بدل‌شدن این داغ به جدالی فرسایشی را تاب آورید و بدانید که در تحمل این فضای عصبی و پرابهام که متأسفانه هردم آزاردهنده‌تر می‌شود، تنها نیستید. نتیجه تحقیقات پزشکی هرچه باشد، خاطره توجهی‌ات و پنهان‌گری‌ها و بدتر از همه بی‌اعتنایی به وضعیت روحی داغ‌دیدگان و بی‌احترامی به نام عباس کیارستمی را پاک نخواهد کرد؛ اگرچه چشم‌های همه ما ناظر و نگران و پیگیر روند این تحقیقات خواهد بود. ما در هر دو اندوه مرگ عزیزتان و مرگ حرمت‌ها کنار خود بینید. امیدواریم سرانجام شما تنها سوگوار باشید و ما تنها غم‌گسار. امیدواریم بیش از این عذابی به عزای‌تان افزون نشود.»

حال با گذشت فقط پنج روز از انتشار نامه، تعداد همدردان و همراهان خانواده عباس کیارستمی از مرز شش هزار نفر گذشت.

چگونگی امضای همراهان

بعد از دست‌به‌دست‌شدن نامه، به دلیل استقبال زیاد، کانال تلگرامی‌ای تحت عنوان «شما تنها نیستید» تشکیل شد تا دسترسی افراد از نقاط مختلف ایران و جهان راحت‌تر صورت بگیرد. امضاکنندگان با درج نام و حرفه خود، هویت واقعی خود را افشا کردند تا به‌شفاف‌ترشدن مسئله کمک کنند.

ادامه در صفحه ۱۷

همراهان خانواده کیارستمی، خواهان اعمال شفافیت و عدالت در پرونده مرگ عباس کیارستمی هستند

شما همچنان تنها نیستید

برده‌خانه

مدیریت مجموعه تئاتر شهر

میراث چهل وچندساله



فرزانه ابراهیم‌زاده

● پیمان شریعتی به‌عنوان نوزدهمین مدیریت مجموعه تئاتر شهر در روزهای نخست هفته گذشته مدیریت این مجموعه را از پریسا مقتدی تحویل گرفت تا دومین مدیر زن این مجموعه بعد از گذشت دوسال‌وچندماه سخت و کم‌حاشیه از این مجموعه برود؛ خبری که لایه‌لای اخبار سیاسی و اجتماعی و ماجراهای توهین یک مجله به هنرمندان مانند بسیاری از خبرهای تئاتر گم شد.

هرچند که حضور پیمان شریعتی که مدت‌های زیادی مدیریت معاونت اجرایی مرکز هنرهای نمایشی را برعهده داشت، می‌تواند اتفاق خوبی برای این مجموعه در آستانه فصل تازهای‌ای بازسازی خود؛ یعنی بازسازی سالن اصلی باشد، اما شاید آنچه کمتر به آن پرداخته شد این است که در دو سال گذشته اتفاقات زیادی در تئاتر شهر، چه از لحاظ مدیریتی و چه از لحاظ بازسازی و شکل ظاهری ساختمان و چه به‌لحاظ اختصاص سالن‌های نمایشی رخ داده است.

پریسا مقتدی که بسیاری او را اولین مدیر زن مهم‌ترین مجموعه نمایشی کشور معرفی کردند دومین زنی بود که به استوانه مشهور چهارراه ولیعصر آمده بود. پیش از او ناهید مهدوی به مدت بسیار کوتاهی مدیریت این مجموعه را بعد از علی رفیعی به‌عنوان دومین مدیر این مجموعه برعهده داشت؛ مدیریت که شاید بسیاری از کسانی که به این مجموعه آمدند از یاد برده باشند. اما مقتدی که پیش از مدیریت این مجموعه، مدت زیادی در مقام معاون فنی تئاتر شهر این مجموعه بی‌مدیر و پر از حاشیه را بدون هیچ حکمی اداره کرد.

پیش از اینکه بخوایم به وضعیت کنونی مجموعه تئاتر شهر و رفت‌وآمد تازه‌ای که در این مجموعه صورت گرفته و کارهای مهمی که پریسا مقتدی به‌عنوان مدیر با همه مشکلات انجام داده بود، بپردازم، گفتن این موضوع که مجموعه چهل وچندساله تئاتر شهر در ۱۲۰۰سال گذشته با مشکلات زیادی از جمله رفت‌وآمد پی‌درپی مدیران مواجه بوده است. در این سال‌ها مدیران زیادی به اتاق مدیریت مجموعه در طبقه سوم آمدند و بعد از مدت کوتاهی از این مجموعه رفتند؛ مجموعه‌ای که هرچند این روزها به‌خاطر سالن‌های تازه تئاتر در گوشه‌وکنار پایتخت به اندازه سابق در مرکز توجه هنرمندان قرار ندارد، اما هنوز هم مهم‌ترین مرکز نمایشی کشور است؛ مجموعه‌ای که بسیاری از هنرمندان اجرا در آن را مهم‌ترین اتفاق زندگی‌شان می‌دانند. او این مجموعه را در اردیبهشت ۸۱ از اتابک نادری تحویل گرفت که وضعیت داخلی تئاتر شهر هنوز آشفتگی سال‌های گذشته را داشت؛ بخشی از مجموعه قرار بود برای بازسازی تعطیل شود و نحوه اداره سالن‌ها هم مشخص نبود. البته بخشی از مشکلات و آشفتگی‌های تئاتر شهر از جمله چالش‌ها با شهرداری به‌خاطر ساخت‌وساز مجتمع فرهنگی – مذهبی ولیعصر و مترو و زیرگذر چهارراه ولیعصر پیش از آنکه او به‌عنوان مدیر انتخاب شود، از سوی مدیران قبل از او از جمله اتابک نادری به پایان رسیده بود و آنچه مانده بود، خود تئاتر شهر و بازسازی آن بود؛ بازسازی‌ای که در چندسال گذشته مهم‌ترین دغدغه تئاتری‌ها بود و اجرای ناقص آن در هفت، هشت سال گذشته نفعی که نداشت هیچ، بلکه مشکلاتی را هم برای آن به‌همراه داشت. حضور مقتدی کمی آرامش را به این مجموعه آورد و مرتب‌سازی مجموعه قدم مهمی بود که پیش از بازسازی‌ها انجام شد. برای کسانی که در این سال‌ها در اتاق مدیریت این مجموعه رفت‌وآمد کرده بودند، این نکته شاید بیشتر از بقیه به چشم می‌آمد، اما مقتدی در قدم دوم با حضور جمعی از نخبگان تئاتر، موضوع اداره و تخصصی‌کردن سالن‌ها را مطرح کرد و شورای هنری اداره هر سالن را به صورت مجزا انتخاب کرد؛ شورا‌هایی که با درنظرگرفتن پیشینه سالن‌های تئاتر شهر از میان افرادی که سابقه اجرایی در این سالن‌ها داشتند انتخاب شده بودند و شورایی که برنامه اجرایی سالن‌ها را تدوین کردند. برنامه‌ای که هرچند انتقادهایی به نحوه اجرای برخی از آنها گرفته می‌شد، اما نخستین برنامه تدوین‌شده‌ای بود که می‌توانست سهم هنرمندان را از چهار سالن اصلی تئاتر شهر بیشتر کند. این شوراها در این مدت برنامه‌های دقیقی را برای مجموعه تعریف کردند و هرکدام به صورت جداگانه در دوره‌های مشخصی این برنامه‌ریزی‌ها را در اختیار رسانه‌ها قرار دادند. این قدم بزرگی بود که حالا باید در زمان حضور شریعتی در مجموعه شریعتی جنبه اجرایی بیشتری بگیرد. او همچنین توانست بازسازی سالن‌های قشقایی، سایه و چهارسو را به پایان ببرد. هرچند که هنوز بازسازی سالن اصلی تئاتر شهر که مهم‌ترین بخش این سالن است، برای دوران مدیر بعدی یعنی پیمان شریعتی مانده است.

نوش آبادی از لزوم تدوین تفاهم‌نامه بین دو قوه گفت

لغو دوباره کنسرت‌ها و پیشنهاد تازه «سخنگو»

ارشاد صادر شد. حدود ۵۰۰ پلیت هم فروخته شد و در همین زمان زمزمه‌هایی دال بر لغو کنسرت شنیده می‌شد، اما باین‌حال ما به کار خود ادامه دادیم ولی متأسفانه پنجشنبه دادستان سبزوار نامه‌ای به نیروی انتظامی نوشت. در آن نامه اشاره شده بود دادستان عمومی استان خراسان‌رضوی با صراحت تأکید کردند از آنجا که با برگزاری این کنسرت احتمال وقوع جرم وجود دارد، باید جلوی آن گرفته شود. دادستان سبزوار با اشاره و تأکید دادستان عمومی استان خراسان‌رضوی، از نیروی انتظامی سبزوار خواست جلوی برگزاری این کنسرت را بگیرد و اعلام

نکته



مستولان ارشد دولت باید با مقامات قضائی به تفاهم‌نامه‌ای برسند تا یک شیوه‌نامه برای برگزاری کنسرت‌ها تدوین شود. مصوبه اخیری که هیأت دولت تصویب کرد، درباره نیروی انتظامی بود

جلساتی داشتند و آنها بارها اعلام کردند با برگزاری کنسرت مشکلی ندارند؛ اما در این مواقع از برگزاری کنسرت‌ها معانعت می‌کنند. از بهمن‌ماه سال گذشته سخت‌گیری‌ها بیشتر شده و با برگزاری هر کنسرتی مخالفت می‌شود. استاندار و وزارت ارشاد استان خراسان رضوی بارها به این موضوع اعتراض کردند و متن درخواست خود را به علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دادند؛ اما راه به جایی نبردند. واقعا راهی برای ما نگذاشتند و هیچ دلیل صریحی تا‌به‌حال اعلام نکرده‌اند.»

نقد عضو شورای اسلامی شهر سبزوار

همچنین مسعود پسندیده، عضو شورای اسلامی شهر سبزوار، با انتقاد از لغو این کنسرت به ایرنا گفت: «این کنسرت مجوز قانونی داشت و از مسئولان مربوطه این شهرستان خواسته‌ایم دلایل لغو آن را توضیح دهند». از فرماندار ویژه سبزوار و اعضای شورای فرهنگ عمومی این شهرستان می‌خواهیم دلیل لغو این کنسرت را پیگیری و علت آن را به مردم و جوانان این شهرستان اعلام کنند.

ادامه در صفحه ۱۷

فصل نو
ناگفته

اجرای قطعات جدید

#1 billboard

اثرشماره یک موسیقی کلاسیک جهان

شهرام حافظ

ناظری ناظری

برج میلاد

۲۰، ۲۱، ۲۲ مرداد

برای چهارمین بار
تجدید شد

خرید اینترنتی بلیت

www.84200.ir